چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۴۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مقاومت لبنان به دنبال «جنگ فرسایشی» و «تلفات‌گیری» از صهیونیست‌هاست

فرسوده می‌شوید

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

رژیم صهیونیستی بدون آنکه جنگ زمینی در غزه را به اتمام برساند، همزمان وارد یک جنگ زمینی دیگر در جنوب لبنان شده است. نیروهای مقاومت در غزه در روز دوشنبه هفته جاری (۱۶ مهر، ۷ اکتبر) در نخستین سالگرد آغاز جنگ طوفان الاقصی، تل‌آویو را با راکت مورد هدف قرار دادند. از سوی دیگر آمارها حکایت از زخمی شدن ده‌ها نظامی صهیونیست در این منطقه طی روزهای اخیر دارد.

«امینه محفار» و «ناصر خضور» دو پژوهشگر امور غرب آسیا در جریان تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود ادعای مقامات صهیونیست درخصوص نابودی توان نظامی حماس، اما این گروه برخی قابلیت‌های عملیاتی را حفظ کرده و با همان‌ها به نیروهای صهیونیست ضربه می‌زند. این دو پژوهشگر با استناد به آمار اعلام کرده‌اند حماس همچنان دست‌کم نیمی از نظامیانش را حفظ کرده است. براساس تحقیقات صورت‌گرفته، رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند ۱۷ هزار نفر از بین ۲۵ هزار تا ۳۰ هزار نظامی عضو حماس را به شهادت رسانده اما گزارش‌های دقیق تنها شهادت ۸ هزار و ۵۰۰ نفر نیروی مسلح در غزه را تایید می‌کند. باید در نظر داشت این آمار به شمول تمام گروه‌های مقاومت حاضر در غزه است که حماس یکی از آنها به شمار می‌رود. در چنین وضعیتی، نیروهای صهیونیست دست‌کم یک هفته است که عملیات زمینی در لبنان را آغاز کرده و از تسلط خود بر تعدادی از مناطق مسکونی در منطقه مارون الراس خبر داده است. نیروهای مقاومت لبنان این پیشروی‌ها را ناچیز شمرده و بر مقابله سنگین با صهیونیست‌ها تأکید دارند.

شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان روز گذشته در سخنانی که به صورت زنده از شبکه‌های مختلف خبری پخش شد، به دو ستون اصلی نبرد مقاومت علیه رژیم اشاره کرد. نعیم قاسم می‌گوید «هرچه جنگی که رژیم صهیونیستی به راه انداخته طولانی‌تر شود بحران در اسرائیل نیز افزایش می‌یابد.» معاون دبیرکل حزب‌الله دومین ستون اصلی نبرد با رژیم را تلفات‌گیری از صهیونیست‌ها دانسته و گفت: «در میدان ثابت خواهیم کرد که ارتش اسرائیل متحمل تلفات بزرگ خواهد شد و چه‌بسا این تلفات مقدمه پایان جنگ باشد.» مواضع این رهبر عالی رتبه مقاومت لبنان نشان می‌دهد این گروه به دنبال «جنگ فرسایشی» و «تلفات‌گیری» از صهیونیست‌هاست تا بتواند سومین شکست تل‌آویو در این کشور را رقم بزند.

نکات

جنگ کنونی در لبنان دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها نسبت به جنگ‌های گذشته تفاوت زیادی پیدا کرده‌اند. در ادامه به برخی نکات در این خصوص اشاره شده است.

۱. آمریکا برای حمایت از جنگ در منطقه، از خیلی مسائل مانند قدرت نرم خود که بر اثر جنایت‌های رژیم خدشه‌دار شده، گذشته است. این موضوع نشان می‌دهد واشنگتن مدت‌ها قبل چنین تصمیمی گرفته و با تضعیف قدرت نرم خود کنار آمده است. این مسئله آشکار می‌کند ائتلاف آمریکا-رژیم صهیونیستی پیش از ۷ اکتبر نیز قصد داشتند جنگی بزرگ برای سرکوب مقاومت در منطقه راه بیندازند که با حمله پیشدستانه مقاومت از غزه مواجه شدند.

ادعای بایدن درخصوص اهمیت آتش‌بس و همچنین جلوگیری از گسترش جنگ برای آمریکا باعث شده برخی از شکست دموکرات‌ها در تحقق اهداف‌شان صحبت کرده و برخی دیگر اساسا به نیات واقعی کاخ سفید شک کنند. به نوشته ایندیپندنت، «شکست بایدن به قدری بزرگ بوده است که برخی از مقامات سابق وزارت امور خارجه آمریکا این سوال را مطرح می‌کنند که آیا این اصلا یک شکست بوده یا بخشی از یک استراتژی در حال ظهور برای تغییر شکل خاورمیانه.»

جاش پل، مقام سابق وزارت امور خارجه آمریکا که در اکتبر سال گذشته به دلیل حمایت واشنگتن از جنگ غزه استعفا داد به این روزنامه گفته است: «در حال حاضر در واشنگتن این احساس وجود دارد که شاید این فرصتی باشد برای تسویه‌حساب و اعمال فشار برای تنظیم دوباره (جایگاه) ایران در منطقه، حماس و حزب‌الله، بدون توجه به هزینه جان انسان‌های بی‌گناه.»

۲. رژیم خود را در چنان مخمصه‌ای گرفتار می‌بیند که هیچ اقدامی حتی حملاتی از سراسر منطقه به آن باعث سوق یافتن تل‌آویو به سمت پایان جنگ نشده است. در همین راستا روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی با برجسته کردن این موضوع که رژیم صهیونیستی از صلح گریزان بوده و قصد ادامه جنگ دارد، نوشته است: «مقامات امنیتی تخمین می‌زنند که ارتش اسرائیل دست‌کم برای یک سال دیگر در غزه خواهد جنگید و نیروهایش را برای سال‌ها در آنجا نگه خواهد داشت.»

تامیر هیمن، مدیر اجرایی موسسه «مطالعات امنیت ملی» مستقر در تل‌آویو نیز معتقد است: «بدون در نظر داشتن راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک، در این صورت مسئله جنگی بی‌پایان مطرح است. پس از غزه به لبنان خواهیم رفت، بعد از لبنان به کرانه باختری، بعد از کرانه باختری به... .»

۳. کمک‌های سالانه آمریکا به رژیم تا پیش از ۷ اکتبر به ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار می‌رسید اما یک پژوهش جدید در این کشور نشان می‌دهد واشنگتن از زمان آغاز جنگ در نوار غزه طی یک سال دست‌کم ۲۲ میلیارد دلار صرف کمک نظامی به تل‌آویو ارسال کرده است؛ تقریبا ۶ برابر کمک معمول سالانه. در این گزارش آمده که آمریکا از سال ۱۹۵۹ تاکنون در مدت ۶۵ سال ۲۵۱ میلیارد دلار با در نظر گرفتن نرخ تورم در این سال‌ها، به رژیم کمک کرده است؛ که تقریبا یک‌دهم آن طی جنگ طوفان الاقصی در اختیار صهیونیست‌ها گذاشته شده است. این حجم کمک حکایت از نقشه بزرگ آمریکا برای منطقه دارد، زیرا به نظر می‌رسد واشنگتن تلاش می‌کند با تمرکز توان خود و مصرف توان قابل توجهی از رژیم، به اهداف خود برسد.

۴. راهکار مقاومت در دور جدید، طولانی ساختن جنگ، تلفات‌گیری و آواره‌سازی شهرک‌نشینان است. احتمالا در چنین شرایطی و با وجود قصد آمریکا برای بهره‌گیری بیش از اندازه از صهیونیست‌ها برای پیشبرد امور خود در منطقه، آنها خود از جنگ خسته شده و از برنامه گسترده واشنگتن خارج شوند. تنها در این صورت است که آمریکا بدون رژیم به‌عنوان نیروی نیابتی‌اش، ناچار خواهد شد برای تامین اهدافش مستقیما وارد عمل شود؛ اتفاقی که بعید است رخ داده و کاخ سفید بتواند بار دیگر جان هزاران سرباز آمریکایی را در معرض خطر قرار دهد.

چهار ضربه کاری اخیر مقاومت به صهیونیست‌ها

حمله راکتی بزرگ به حیفا

نیروهای حزب‌الله در روزهای اخیر به‌شدت شهر حیفا را مورد حمله قرار داده‌اند. روز گذشته همزمان با سخنرانی نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان این گروه در بزرگ‌ترین حمله خود به سرزمین‌های اشغالی در جنگ، ۱۰۵ راکت را در دو موج و طی نیم ساعت به سمت شهر حیفا و الکریوت پرتاب کردند. پس از منطقه الجلیل و جولان، منطقه حیفا دومین قسمت بزرگ از سرزمین‌های اشغالی است که زیر آتش مقاومت رفته است. حیفا با نزدیک به ۶۰۰ هزار جمعیت سومین شهر پرجمعیت رژیم پس از تل‌آویو و قدس غربی بوده که یکی از دو بندر اصلی و بزرگ‌ترین آنان است و همچنین مرکز توسعه فناوری و کارخانه‌های تسلیحاتی در فلسطین اشغالی به شمار می‌رود. به‌طور کلی نیز استان حیفا یک میلیون و ۱۳۰ هزار نفر جمعیت دارد که محل زندگی ۱۵ درصد از جمعیت حاضر در سرزمین‌های ۱۹۴۸ است.

تلفات افسران صهیونیست

ارتش رژیم صهیونیستی روز گذشته اعلام کرد طی ۲۴ ساعت، ۴۸ نظامی این رژیم زخمی شده‌اند. براساس اطلاعات منتشرشده، از این تعداد ۳۰ نظامی در جبهه لبنان و ۱۸ نفر در غزه زخمی شده‌اند که حال هفت نفر از زخمی‌شدگان وخیم گزارش شده است. این آمار در شرایطی رسانه‌ای شده‌اند که تل‌آویو عمدتا تلاش می‌کند تلفات خود را سانسور کند. تنها در روز پنجشنبه هفته گذشته (۱۲ مهر، ۳ اکتبر) مقاومت لبنان از به هلاکت رسیدن ۱۷ نظامی صهیونیست خبر داده بود؛ هرچند تل‌آویو تعداد کشته‌هایش در این روز را تنها یک نفر اعلام کرد. رسانه‌های عبری روز سه‌شنبه (۱۷ مهر، ۸ اکتبر) نیز تنها به کشته شدن ۱۱ سرباز و زخمی شدن ۱۳۰ نفر دیگر اعتراف کردند؛ نحوه اطلاع‌رسانی صهیونیست‌ها از تلفات‌شان در جنگ با لبنان، حکایت از سانسور شدید دارد.

توقف ترورهای صهیونیستی

رژیم صهیونیستی در هفته‌های اخیر با انفجار پیجرها، بی‌سیم‌ها، ترور کادر فرماندهی یگان رضوان و ترور دبیرکل مقاومت لبنان و یکی از اعضای شورای مرکزی این گروه وضعیت دشواری را در لبنان ایجاد کرد. تنها در یکی از روزهای درگیری در هفته‌های اخیر ۵۸۸ نفر به شهادت رسیدند. در این حملات فرماندهان عالی و مدیرانی میانی بخش‌های سیاسی، نظامی و حتی اقتصادی تا اعضای ساده و کارمندان خدماتی مؤسسات نزدیک به مقاومت مورد هدف قرار گرفتند و آسیب‌هایی جدی دیدند. شیخ نعیم قاسم در سخنرانی روز گذشته خود بر این نکته تاکید کرد که «ما از ضربات اولیه عبور کرده و آماده مقابله مؤثر با اسرائیلیم.» او همچنین از جایگزینی تمام رده‌ها و فعالیت دقیق و منظم مقاومت خبر داد. به نظر می‌رسد پس از ترورهای شدید هفته‌های اخیر، بانک اطلاعاتی صهیونیست‌ها به اتمام رسیده و آنها اطلاعاتی از نیروها و رهبران جدید ندارند.

حمله به مقر ۸۲۰۰

مقرهای یگان ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی به یکی از اهداف اصلی مقاومت تبدیل شده است. این یگان که زیرمجموعه بخش اطلاعات نظامی ارتش رژیم موسوم به «امان» است، وظیفه جمع‌آوری اطلاعات مخابراتی، الکترونیکی و عملیات‌های سایبری را برعهده دارد. گفته می‌شود یگان ۸۲۰۰ نقش مهمی در یافتن فرماندهان مقاومت و کمک به ترور آنها ایفا کرده است. بر همین اساس پس از عملیات بامداد ۴ شهریورماه مقاومت لبنان علیه مقر این یگان در منطقه گالیلوت تل‌آویو، این مقر بارها مورد هجوم قرار گرفته است؛ ازجمله طی عملیات وعده صادق ۲. بامداد سه‌شنبه نیز مقاومت لبنان برای چندین بار به مقر این یگان با موشک حمله کرد. تهاجم علیه ۸۲۰۰ از این رو اهمیت دارد که این یگان برخلاف موساد، به‌شدت تجهیزات‌محور است و نابودی ابزارهای گران‌قیمت نصب‌شده در گالیلوت می‌تواند اختلال بزرگی در فعالیت این پایگاه ایجاد کند.

شعیب بهمن به «فرهیختگان» از دلایل ایروان برای رویگردانی از مسکو گفت

روسیه اشتباهش را جبران می‌کند؟

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان روز گذشته در چهارچوب اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در مسکو دیدار کرد. پیش از این دیدار، پوتین در هشتم اکتبر با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان دیدار کرده بود. گفته می‌شود پوتین در دیدار با علی‌اف، در کنار موضوعات دیگر، به عادی‌سازی روابط ارمنستان و آذربایجان نیز پرداخته است. اگرچه انتظار می‌رفت با توجه به حضور سران دو کشور در مسکو، شاهد برگزاری یک نشست مشترک سه‌جانبه بین سران سه کشور باشیم اما کاملا واضح است که نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، تمایلی به دادن نقش به مسکو در این زمینه ندارد؛ چراکه در جریان سفر پوتین به باکو در ۱۹ اوت، او بیان کرد روسیه «آماده است تا در مذاکرات بر سر توافق صلح و مسائل مربوط به تعیین و مرزبندی مرزهای ارمنستان و آذربایجان کمک کند.» پوتین بعد از آن با نخست‌وزیر ارمنستان نیز در این باره گفت‌وگو کرد تا او از مذاکرات انجام‌شده در باکو مطلع شود و پیشنهاد ادامه این فرایند با دخالت مسکو را مطرح کند اما چند روز بعد، پاشینیان در یک کنفرانس خبری در ایروان اعلام کرد در مکالمه با پوتین، آمادگی‌اش را برای ملاقات با رئیس جمهور آذربایجان به صورت دوجانبه، حتی در مرز بین دو کشور، اعلام کرده است. به عبارت دیگر، پاشینیان پیشنهاد پوتین برای ملاقات با علی‌اف در حاشیه اجلاس غیررسمی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) در مسکو را رد کرد. پاشینیان می‌خواهد با حذف روسیه از موضع میانجی در اختلافش با آذربایجان، حضور و بازیگری این کشور را در منطقه تضعیف کند. همین امر نیز برای مسکو نگرانی‌های جدی به همراه داشته است؛ چراکه با کنار گذاشتن روسیه، سازوکارهای غربی به ویژه سازوکارهای اتحادیه اروپا در منطقه حاکم خواهد شد که این به نفع مسکو نخواهد بود. در راستای بررسی این موضوع با شعیب بهمن، کارشناس مسائل روسیه گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

ولادیمیر پوتین پیش‌تر در تلاش بود نشستی سه‌جانبه میان روسیه، آذربایجان و ارمنستان برگزار کند. اما نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان با صحبت از دیدار دوجانبه بدون حضور روسیه حتی در مناطق مرزی، پیشنهاد پوتین را رد کرد. چرا پاشینیان که در دوره‌های قبلی نشست شرکت نمی‌کرد، حاضر شد در این دوره اجلاس شرکت کند؟ سیاست ارمنستان مبنی بر واگرایی از روسیه و شرکت در این نشست از سوی دیگر کمی متعارض به نظر نمی‌رسد؟

روند واگرایی ارمنستان از روسیه بعد از جنگ دوم قره‌باغ آغاز شد. حدود یک سال گذشته نیز به‌طور ویژه‌ای این روند شدت قابل توجهی پیدا کرد. اما در عین حال باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که این پروژه پاشینیان در ارمنستان است. یعنی در ازای عادی‌سازی روابط با ترکیه و دستیابی به یک توافق پایدار با جمهوری آذربایجان، خواهان کاهش ارتباط با روسیه و پیوستن به ساختارهای یورو آتلانتیکی و غربی است. بنابراین این یک پروژه است. اما به هر حال در این بین دولت ارمنستان فاقد شرایطی است که بخواهد یک شبه چنین پروژه‌ای را اجرا کند و پیش ببرد. علت اصلی آن هم وابستگی‌هایی است که در طول سال‌های گذشته در حوزه‌های مختلف به روسیه وجود داشته، درواقع وابستگی‌ها در حوزه‌های مختلف است. در حوزه‌های اقتصادی، در سال‌های گذشته بخش اعظم تحولات تجاری ارمنستان با روسیه بوده است. در عین حال ارمنستان در حوزه انرژی کاملا به روسیه وابسته است. در حوزه امنیتی و نظامی نیز طی سال‌های اخیر روس‌ها نفوذ قابل توجهی از طریق استقرار پایگاه‌های نظامی در ارمنستان داشتند. حتی کنترل فرودگاه‌ها یا برخی از مناطق مرزی ارمنستان نیز در دست روس‌ها قرار داشته است. قاعدتا در عرصه سیاسی هم این نفوذ همیشه بوده، کما اینکه در برهه‌هایی در داخل ارمنستان جریان‌هایی که نزدیک به روسیه بودند قدرت را در دست داشتند. یعنی پیش از روی کار آمدن پاشینیان اساسا قدرت در دست جریان‌ها و جناح‌هایی بوده که به روسیه بسیار نزدیک بودند. بنابراین نفوذ روسیه در ابعاد مختلف در داخل ارمنستان وجود دارد و این نفوذ را نمی‌توان یک‌شبه از بین برد. ارمنستان نمی‌تواند از این نفوذ رهایی پیدا کند یا بخواهد از زیرچتری که روس‌ها در سال‌های گذشته بر سر این کشور باز کرده بودند، به یکباره خارج شود. درنتیجه تغییر این روند به شکل تدریجی در دست اقدام است. همان‌طور که گفتم در یک سال گذشته هم شدت قابل توجهی به خود گرفته و نشانه‌های آن را هم در حوزه‌های اقتصادی و هم در حوزه‌های امنیتی و نظامی مشاهده می‌کنیم. به نظر می‌رسد دولت ارمنستان تمایلی ندارد که در این فرآیند روابطش با روسیه بیش از این تحت‌تاثیر قرار بگیرد؛ چراکه به هر حال همچنان روسیه یک بازیگر مهم در تحولات قفقاز محسوب می‌شود و نزدیکی‌های اخیر باکو به روسیه هم می‌تواند موقعیت جمهوری آذربایجان را در برابر ارمنستان دگرگون کند. به همین دلیل ارمنستان از حضور در چنین نشست‌هایی و دیدارهایی امتناع نمی‌ورزد. اما واقعیت این است که طرف ارمنی راه‌حل نهایی مشکلات را در سازوکارهای مذاکراتی غربی و به‌ویژه سازوکارهای مذاکراتی که اروپا پیش می‌برد، می‌بیند و تمایلی ندارد که اگر قرار است توافق صلحی بین ایروان و باکو منعقد شود، مسکو میانجی آن باشد؛ چراکه این مساله مجددا می‌تواند نقش روسیه را در منطقه قفقاز احیا و بازسازی کند. درنتیجه با وجود اینکه در چنین نشست‌هایی شرکت می‌کند و حضور دارد، اما واقعیت این است که این کار را خیلی جدی تلقی نمی‌کند و مسیرهای غربی را همچنان به سازوکارهای روسی ترجیح می‌دهد.

به نظر می‌رسد روس‌ها نگرانی‌هایی درخصوص نفوذ غرب در این منطقه دارند. به‌طور مثال «یوری اوشاکوف»، مشاور امور بین‌الملل رئیس جمهور روسیه، درخصوص حضور غرب در منطقه قفقاز جنوبی گفته «غرب می‌خواهد با آماده کردن طرحی مبنی بر صلح ارمنستان و آذربایجان در این منطقه نفوذ پیدا کند.» به نظر شما این نگرانی‌ها تا چه میزان جدی است؟

دولت ارمنستان به سمت سازوکارهای غربی حرکت می‌کند. یعنی در این سال‌ها مابه‌ازای دور شدن از روسیه، نزدیک شدن به غرب در دستورکار قرار گرفته است. هرچه دولت پاشینیان از مسکو دور شد، به غرب نزدیک‌تر شده است و سعی کرد تعاملاتش را با کشورهای غربی گسترش دهد. در این زمینه حتی بحث‌هایی مثل پیوستن ارمنستان به اتحادیه اروپا هم مطرح شده است. موضوع خروج ارمنستان از سازمان پیمان امنیت جمعی و در مقابل آن مطرح شدن بحث پیوستن اتحادیه اروپا نشان می‌دهد هرچه که از سمت روس‌ها واگرایی اتفاق بیفتد، از آن سمت کشش و پیوند با اروپایی‌ها و مجموعه کشورهای غربی پیش می‌رود. در نتیجه این نگرانی در میان روس‌ها جدی است؛ چراکه آنها کاملا درک می‌کنند که ارمنستان در حوزه روابط دو جانبه‌اش محدودیت‌هایی را برای روس‌ها به وجود می‌آورد. کما اینکه بعد از سال‌ها روس‌ها ناگزیر شدند نیروهای امنیتی خودشان را از فرودگاه‌های ارمنستان خارج کنند. یا درخصوص بخشی از روابط مرزی که داشتند، محبور شدند نیروهای نظامی‌شان را از پایگاه‌ها خارج کنند و پایگاه‌های روسیه در ارمنستان خالی شدند. محدودیت‌های خیلی مهمی در میان روابط با روسیه بوده که از جانب دولت ایروان پدید آمده است. در عین حال در سازوکارهای روسی در منطقه هم این محدودیت‌ها را شاهد بودیم. مثلا همین سازمان پیمان امنیت جمعی که بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی به وجود آمد و اساسا روس‌ها بازیگر اصلی و تعیین‌کننده آن بودند، در اینجا هم ارمنی‌ها تمایلی به ادامه عضویت نشان ندادند و این نشان می‌دهد که هم در حوزه مناسبات دو جانبه و هم در سازوکارها و ترتیبات امنیت جمعی که روس‌ها برای منطقه در نظر داشتند و پیگیری می‌کردند، ارمنی‌ها حضور خود را کمرنگ‌تر می‌کنند. بنابراین نگرانی روس‌ها می‌تواند یک نگرانی جدی در این زمینه باشد. البته به نظر می‌رسد بخشی از دلیل اینکه امروز ارمنستان این سیاست را در پیش گرفته، خود سیاست‌های روسیه در سال‌های گذشته است.

یعنی شما معتقدید روس‌ها با سیاست‌های خود زمینه را برای واگرایی ارمنستان و حضور غرب فراهم کردند؟

بله، به هر حال روس‌ها اشتباهاتی را در جنگ دوم و بعد هم در جنگ سوم قره‌باغ داشتند که این سیاست‌های اشتباه باعث شد نگرش‌ها در بین افکارعمومی ارمنستان نسبت به روسیه تغییر کند. در سال‌های گذشته روسیه همواره در نظرسنجی‌ها جزء محبوب‌ترین کشورها در ارمنستان بود. اما امروز جایگاه خودش را در میان افکار عمومی و مردم این کشور از دست داده است. عمدتا جایگاه روسیه در نظرسنجی‌ها بعد از ایران، فرانسه و حتی آمریکا جای می‌گیرد. در سطح حکومتی و حکمرانی هم دولت ارمنستان انتقادهای صریحی به جهت اینکه روس‌ها روابط نزدیک‌تری را با باکو ایجاد کرده، مطرح کردند. روس‌ها از متحد خودشان در قفقاز و در جنگ‌ها حمایت نکردند. یا حتی سازوکارهایی مثل پیمان امنیت جمعی را که روس‌ها می‌بایستی در صورت اعلام نیاز و اعلام درخواست به کمک ارمنستان می‌آمدند هم فعال نکردند. بنابراین دولت ارمنستان هم همین موضوعات را امروز بهانه‌ای قرار داده و مطرح می‌کند. با طرح چنین موضوعاتی است که از این سازوکارها خارج می‌شود یا روابطش با روسیه را کمرنگ می‌کند. این را به شکل عملی هم اعلام کرده است. بنابراین بخشی از این مشکل به سیاست نادرستی برمی‌گردد که روس‌ها در سال‌های گذشته داشتند و الان در شرایط جدیدتری قرار گرفته‌اند و دارند ارمنستان را در منطقه قفقاز تا حد زیادی از دست می‌دهند.

این دیدار برای ما از جهتی حائز اهمیت است که پیش‌تر ادعاهایی در رسانه‌ها مبنی بر دیدگاه نزدیک مسکو به تهران درخصوص دالان سیونیک مطرح شده بود. حالا با توجه به نشست سران ۳ کشور تحلیل شما از آینده دالان سیونیک چیست؟ آیا در دستورکار قرار خواهد گرفت؟

این مساله هم یکی از آن برآوردهای اشتباه یا سیاست‌های اشتباهی است که روس‌ها داشتند. در مورد همین دالان و این مسیر ارتباطی، ما شاهد سیاست غلط روس‌هاییم. به نظر می‌آید بعد از موضع‌گیری اخیر روس‌ها در باکو، یعنی به شکل مشخص موضعی که در باکو مطرح شد و بعد هم «ماریا زاخاروا»، سخنگوی وزارت خارجه روسیه در این باره اظهارنظر کرد و واکنش‌هایی را در ایران برانگیخت، روس‌ها در مذاکرات بعدی با ایرانی‌ها اعلام کردند نگاه‌شان به نگاه ایران نزدیک‌تر است و خواهان به هم خوردن مرزهای جغرافیایی یا ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه نیستند؛ چراکه به هر حال این موضوع می‌تواند برای خود روسیه هم آثار و تبعات امنیتی قابل توجهی داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد حداقل در این برهه روس‌ها خیلی دنبال این موضوع نباشند. ولی همچنان از احیای مسیرهای مواصلاتی در منطقه حمایت می‌کنند. همان‌طور که ایران هم همین سیاست را اتخاذ کرده است. اما اینکه بخواهد نام دالان موسوم به زنگه‌زور شکل بگیرد و حاکمیت جمهوری آذربایجان آنجا اعمال شود و ارمنستان را به دو تکه جغرافیایی تقسیم کند، چنین چیزی حداقل به نظر می‌رسد و در شرایط فعلی در دستورکار آنها نیست. می‌توان گفت بعد از مذاکرات اخیر ایران با روسیه، موضع روس‌ها هم در این خصوص تنظیم و به ایران نزدیک‌تر شده است. بنابراین می‌توان گفت روس‌ها در شرایط فعلی خیلی به دنبال طرحی با چنین جزئیاتی نروند و اگر بخواهند این موضوع را هم مطرح کنند روی احیای مسیرهای مواصلاتی تمرکز کنند نه چیزی به نام دالان موسوم به زنگه‌زور.